

## جایگاه فرمان اوروکاگینا در تاریخ شکل‌گیری حقوق سومری

دکتر حسین بادامچی\*

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

(از ص ۳۹ تا ۵۹)

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۲/۲۵

### چکیده

نگارش، در اواخر هزاره چهارم در جنوب بین‌النهرین ابداع شد و به انسان این امکان را داد که اسناد مکتوب تولید کند. یکی از مهم‌ترین این اسناد، اسناد حقوقی هستند. جامعه سومری، قدیمی‌ترین اسناد حقوقی را برای ما به جای گذاشته است که با مطالعه آنها می‌توان چگونگی شکل‌گیری حقوق در نخستین جوامع شهری را بررسی کرد. در این مقاله، فرمان اوروکاگینا، شاه لگش و تفسیر سنتی این متن، به‌طور انتقادی مطالعه می‌شود. یکی از نتایج بررسی قانون گذاری اوروکاگینا، پیداشدن دیدگاهی تازه درباره خاستگاه اندیشه اتحاد دین و دولت است.

**واژه‌های کلیدی:** اوروکاگینا، سومر، حقوق، فرمان شاهی، معبد شهر.

## مقدمه

نگارش، در اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد مسیح ابداع شد؛ باستان‌شناسان این دوره را دوره اوروک ۴ (Uruk IV) می‌نامند که تقریباً برابر ۳۲۰۰ قبل میلاد است. اسناد مربوط به آغاز نگارش، تقریباً به‌طور هم‌زمان از شوش (خوزستان ایران) و اوروک (در جنوب بین‌النهرین) به دست آمده‌اند و با قاطعیت نمی‌توان گفت کدام قدیمی‌تر است. بیشتر محققان، اوروک را مقدم می‌دانند؛ ولی به تازگی گلاس‌نر، در کتابی که راجع به نگارش در سومر و ابداع خط میخی نوشته است، استدلال می‌کند که متون شوش مقدم هستند<sup>(۱)</sup> (Glassner, 2000, 151-153). برای مطالعه شکل‌گیری حقوق در جامعه سومری، لازم است که ابتدا به دو انقلاب بزرگ اشاره کنیم که در دوره پیش از تاریخ روی داد و به‌طور اساسی زندگی انسان را دگرگون ساخت. اولی، انقلاب کشاورزی است که در حدود ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد صورت گرفت. فراگرفتن کشاورزی و اهلی کردن حیوانات در این زمان، به انسان امکان داد که یکجانشین شود و مدام به دنبال غذا از جایی به جای دیگر در حرکت نباشد. تا حدود ۱۲ هزار سال قبل، شیوه زندگی در خاور نزدیک، شرق مدیترانه و دیگر بخش‌های اروپا تقریباً یکسان بود (Nissen & Heine, 2003, 7). در حدود ۳۰ هزار سال قبل، گروه‌های نئاندرتال ترجیح دادند در مناطقی گردش کنند که شرایط آب و هوایی شکارهای متنوع، گیاهان و میوه‌های خوردنی را تأمین می‌کرد، به‌طوری‌که اقامت موقتی ایشان، تا حد امکان طولانی می‌شد. نشانه‌ها و بقایای به دست آمده در چندین غار، وجود انسان نئاندرتال در خاور نزدیک را ثابت می‌کند؛ برای نمونه می‌توان به غار هوتو در کوه‌های البرز اشاره کرد. در این میان، غار شنیدر در شمال شرقی عراق شهرت خاصی به دست آورد؛ زیرا باستان‌شناسان در آن جا گل‌هایی را پیدا کردند که در یک قبر روی مردگان ریخته شده بود. گفته شد که این قدیمی‌ترین نشانه باور به زندگی پس از مرگ است (Nissen & Heine, 2003). برخی هم به خواص درمانی گل‌ها اشاره کرده‌اند (Solecki, 1997). انقلاب دوم، شهرنشینی است.

## انقلاب شهری

اواسط هزاره چهارم قبل از میلاد، جنوب بین‌النهرین، شاهد گسترش بی‌سابقه زندگی شهرنشینی و تقسیم کار اجتماعی بود؛ پدیده‌ای که محققان آن را انقلاب شهرنشینی یا انقلاب اوروک می‌نامند (Liverani, 2005). مهم‌ترین علت این پدیده، تغییرات آب و

هوایی در جنوب بین‌النهرین بود: رطوبت هوا کم شد، سطح آب‌های جاری پایین رفت، آب‌های خلیج فارس نیز فروکش کرد و قدری از زمین‌های کف دریا برای کشت و زرع در اختیار مردم قرار گرفت و هوا خنک‌تر شد. بدین سان، ناحیه‌ای که پیشتر به علت باتلاق‌ها و سیلاب‌های ویرانگر، برای سکونتگاه‌های بزرگ مناسب نبود، به محلی مناسب برای گسترش شهر تبدیل شد.

در این زمان، نخستین شهر واقعی در جنوب بین‌النهرین پدید آمد که اندازه شگفت آور آن، بر اهمیت و پیچیدگی اداره این شهر گواهی می‌دهد. بر اساس گستردگی مساحتی که با سفال اواخر دوره اوروک (Late Uruk pottery) پوشیده شده است، مساحت این شهر را حداقل ۲۵۰ هکتار یا دو و نیم کیلومتر مربع تخمین زده‌اند و کل شهر با دیوار احاطه شده بود (Finkbeiner, 1991). از وسعت ساختمان‌های عمومی شهر بر می‌آید که اوروک، در اواخر هزاره چهارم مرکزی بسیار قدرتمند بوده است و جمعیت آن، منابع گسترده‌ای را اداره می‌کرده؛ شامل منابع غذا، مواد خام و نیروی کار. جمعیت داخل در دیوارهای شهر، حداقل ۲۰۰۰۰ نفر برآورد شده است. با این محاسبه محافظه کارانه که در هر هکتار ۱۰۰ نفر زندگی می‌کرده است (Adams, 1981, 349-50)، می‌توان این ارقام را با جمعیت چغامیش و شوش در خوزستان مقایسه کرد که بزرگترین اقامتگاه‌های دوره عبید بوده‌اند. مساحت این اقامتگاه‌ها، از ۱۷ هکتار فراتر نبوده است (Nissen, 1985).

ما تاریخ حقوق را از زمانی می‌توانیم مطالعه کنیم که خط ابداع شد و اسناد حقوقی نوشته شدند؛ پس نگارش حقوق، به معنی آغاز حقوق نیست. ریموند وستبروک، به درستی می‌گوید که قدمت حقوق، به قدمت جامعه انسانی سازمان‌یافته است؛ اما مراحل آغازین آن، در غبار پیش از تاریخ پنهان است. آن چه ما درباره اشکال ابتدایی حقوق می‌گوییم، مبتنی بر حدس و گمان است (Westbrook, 2003, 1).

حدود ۵۰۰ سال بعد از ابداع خط، اسناد حقوقی کم‌کم پدید می‌آیند (Wilcke, 2007, 20)؛ پس حقوق باستان، نمایانگر جامعه ابتدایی نیست. جامعه انسانی در این زمان، حداقل چند هزار سال عمر دارد.

### سومری‌ها و اولین قانون‌نویسندگان

نام سومر، به‌طور قراردادی به جنوب بین‌النهرین، در هزاره سوم ق. م. گفته می‌شود که دوره برنز اولیه نامیده می‌شود؛ زیرا فلز رایج در این دوره برنز بود (برنز، فلز زرد مایل به قهوه‌ای است که از ترکیب مس و قلع ساخته می‌شود). سومری‌ها به ساکنان این ناحیه، در هزاره سوم و اوایل هزاره دوم گفته می‌شود. سومر، از کلمه اکدی شومروم (*Sumerum*) گرفته شده، که نام اکدی جنوب بین‌النهرین است. سومری‌ها، سرزمین خود را کن‌گیر (*Kengir*) می‌نامیدند و خود را سگ‌گیگا (*Saggiga*)؛ یعنی مردم سرسياه می‌خواندند. این‌ها برای اولین بار، در اوایل هزاره سوم در تاریخ ظاهر می‌شوند؛ اما درباره خاستگاه و ریشه این‌ها اختلاف وجود دارد (Lafont, 2005, 152).

آیا سومری‌ها نژادی تازه‌وارد بودند که اواخر هزاره چهارم به بین‌النهرین آمدند؟ آیا ایشان از میان همان مردم بومی ناحیه برخاستند؟ آیا ایشان با گروه‌هایی که به همین ناحیه وارد شدند و سکونت گزیدند آمیخته شدند، یا برخورد و مبارزه کردند؟ مهم‌ترین این گروه‌ها که به جنوب بین‌النهرین وارد شدند، اقوام سامی بودند (Lafont, 2005, 149). همان‌گونه که خاستگاه نژادی هیتی‌ها مختلط بود، ممکن است سومری‌ها نیز مختلط بوده باشند؛ چون زبان سومری، کاملاً مستقل و متمایز است و با هیچ یک از زبان‌های شناخته شده، از یک خانواده نیست، می‌توان نتیجه گرفت که در ابتدا، سومری‌ها نژادی خاص بوده‌اند. زبان سومری، بعدها در هزاره سوم، به زبان غالب در بین‌النهرین تبدیل شد. احتمالاً از اولین بار که سومری‌ها به این ناحیه وارد شدند، با سامی‌ها آمیختند و در کنار هم زندگی کردند. تمدن سومری هزاره سوم، زاینده این همزیستی بود. شهر نیپور که اقامتگاه انلیل، خدای اصلی یا رئیس خدایان پانتئون سومری بود، به مرکز دینی این ناحیه تبدیل شد.

مهم‌ترین واحد اداری (*administrative unit*) در دنیای سومری، دولت‌شهر (*city state*) بود، شامل یک مرکز شهری و نواحی روستایی اطراف، که روستاها و زمین‌های کشاورزی را در بر می‌گرفت. به‌طور کلی، هر دولت شهر سه قسمت داشت: (۱) مرکز شهری داخل در دیوار شهر، دربرگیرنده معابد، کاخ‌ها، قسمت‌های اداری حکومت مثل انبارها و برخی منازل مسکونی. محوطه معبد، معمولاً در ناحیه مرکزی شهر قرار داشت و دور آن محوطه دیواری بیضی‌شکل بود. (۲) کار (*Sumerian kar, Akkadian karum*)؛ یعنی بازار یا مرکز تجاری شهر که در کنار کانال آب یا ساحل رودخانه برای تسهیل

عملیات تجاری بین دولت‌شهرهای سومری ساخته می‌شد. این دولت‌شهرها، معمولاً کنار رودخانه یا کانال‌های آبی واقع بودند. ۳) حومه شهر که نواحی روستایی کنار شهر را در بر می‌گرفت. اسم ۱۴ دولت‌شهر را می‌دانیم: مانند سیپیر، کیش، لکش، اوروک، لارسا، اور، نیپور، ادب، شوروپک، اوما، اور و اریدو. این اسامی، در متون دوره معروف به دوره سلسله‌های اولیه، از ۲۹۰۰ تا ۲۳۳۴ مشاهده می‌شوند. این دوره، با به قدرت رسیدن پادشاهی اکد پایان می‌یابد.

در نظام دولت‌شهرها، حاکم عالی هر دولت‌شهر، یک خدا بود که حامی آن شهر بود و نماینده آن خدا در زمین، شاهی بود که انسی (énsi)؛ یعنی سرور یا لوگال (lugal)؛ یعنی مرد بزرگ نامیده می‌شد. در ابتدا به نظر می‌رسد که قدرت شاه، نسبتاً محدود بود؛ زیرا قسمت زیادی از امور شهر را روحانیت ثروتمند شهر اداره می‌کرد و به عبارت دیگر، معبد هم اعمال قدرت می‌کرد. بعدها در همین دوره سلسله‌های اولیه، تمایز میان قدرت دینی و دنیوی زیاد شد. در برخی دولت‌شهرها، قدرت شاهان به قدری زیاد شد که با نیروی نظامی، بر دولت‌شهرهای همسایه دست‌اندازی کردند. نمونه این شاهان، شاه لکش است، به نام ائناتوم (E-annatum) که در قرن ۲۵ یا ۲۴ ق. م، عیلامی‌ها را از جنوب بین‌النهرین بیرون کرد و دولت‌شهرهای اور، اوروک و کیش را فتح کرد.

فهرست شاهان سومری (Sumerian King List)، اثری است که در اوایل هزاره دوم ق. م. تألیف شد؛ یعنی چند سده پس از پایان دوره سلسله‌های ابتدایی. بنابراین، فهرست دولت‌شهرها، از آغاز نوعی کنفدراسیون را تشکیل می‌دادند که در آن یک دولت شهر، ظاهراً قوی‌تر از دیگران بوده است و بر دیگران اعمال قدرت می‌کرده است. در طول زمان، این ریاست از شهری به شهر دیگر رسیده است. از دیگر ویژگی‌های این سند، تقسیم تاریخ سومر به قبل و بعد از طوفان است؛ اما این سند اشتباهات جدی دارد؛ به عنوان مثال دوره حکومت برخی شاهان را با اغراق طولانی می‌کند و برخی سلسله‌ها را که همزمان بوده‌اند، پشت سر هم و متوالی نشان می‌دهد (Edzrad, 2004, 38). به علاوه، این سند نوعی وحدت سیاسی بین دولت‌شهرهای جدا از هم در دوره سلسله‌های اولیه را نشان می‌دهد که به یقین، تحت تأثیر نظام‌های اداری امپراتوری‌های متأخر، مانند اکد و اور سوم است. به هر حال، فهرست شاهان سومری به روشنی عناصر تاریخی دارد و همه آن افسانه نیست. به علاوه، راجع به خاستگاه افسانه طوفان،

اطلاعاتی به دست می‌دهد. افسانه طوفان، به‌عنوان مبدأ تاریخ در نظر گرفته شد؛ چنانکه هجرت پیامبر اسلام یا تولد حضرت عیسی، مبدأ تاریخ تلقی شدند.

دولت‌شهرها، برای برخی امور اهمیت خاص قایل بودند: مهارت‌های عملی، سازمان دهی کارآمد، ضرورت همکاری در مقیاس وسیع در پروژه‌های اجتماعی، مانند ساختن و نگهداری نظام‌های آبیاری پیچیده. برای غلبه کردن بر شرایط سخت طبیعی - آب و هوایی که سومریان در آن زندگی می‌کردند، مهارت‌های عملی پیشرفته و مهارت در سازمان‌دهی ضرورت داشت. به راستی، نام سومریان با پیدایش بسیاری از پیشرفت‌های تمدن انسانی، به ویژه مهارت‌های عملی، پیوند خورده؛ زیرا بسیاری از این نوآوری‌ها در سومر آغاز شد. یکی از برجسته‌ترین این نوآوری‌ها، ابداع نگارش برای اولین بار است. این نظام نگارش، خط میخی نام دارد؛ چون شکل علامت‌ها یا نشانه‌ها شبیه میخ است. مردم سومر، از قلم‌هایی که معمولاً از جنس نی بود برای نگارش روی الواح گلی استفاده می‌کردند. با فشاردادن نوک لبه‌دار قلم روی لوح گلی، نشانه‌های سومری نوشته می‌شد.

امروزه ده‌ها هزار سند سومری پیدا شده است، در موضوعاتی متنوع چون اسناد اداری، قراردادهای حقوقی و فهرست کالاها. اسناد ادبی هم به تعداد کمتر وجود دارد، مانند اشعاری راجع به یکی از شاهان اوروک معروف به گیلگمش. این اشعار، بعدها در هزاره دوم، برای نگارش افسانه گیلگمش معروف مورد استفاده قرار گرفتند. زبان سومری، از دوره سلسله‌های اولیه تا پایان هزاره سوم استفاده می‌شد و زبان رایج بود. وقتی امپراتوری اکد تشکیل شد و اکدی‌های شمال، در قرن ۲۴ ق. م، جنوب بین‌النهرین را تصرف کردند، تمدن سومری پایان یافت. به همین دلیل، وقتی در حدود ۲۱۰۰ ق. م، سومری‌ها دوباره قدرت گرفتند و سلسله سوم اور را تشکیل دادند، این دوره را سومری جدید یا رنسانس سومری می‌نامند (Sallaberger & Westenholz, 1999, 123). با آغاز هزاره دوم (۲۰۰۰)، زبان سومری دیگر زبان رایج نبود و جای خود را به زبان اکدی داده بود و در همین حدود، شاید قرن ۱۸ یا ۱۷ ق. م، دیگر تکلم نمی‌شد و به اصطلاح، خاموش شد؛ اما تا پایان دوره خط میخی؛ یعنی سال ۷۵ میلادی، همچنان در مدارس آموخته می‌شد و برای تألیفات دینی و ادبی استفاده می‌شد (Cooper, 1996, 37).

نخستین لوحه دارای ماهیت قانونی که تاریخ مدون ما ضبط کرده، متعلق است به ۲۴ سده قبل میلاد و از شهر لگش به دست آمده است. لوحه مذکور، گزارش روایت‌گونه اصلاحات اجتماعی اوروکاگینا، شاه لگش است. این لوحه، روایتی است به زبان سومری

که کاتبان اوروکاگینا، به مناسبت گشایش یک کانال آبی نوشته‌اند؛ اما به برخی قانون‌گذاری‌های مهم شاه اشاره می‌کند. تاریخ حکومت اوروکاگینا، به درستی معلوم نیست؛ اما حدود ۲۳۵۰ ق. م. بوده و حداقل ۷ سال حکومت کرده است. (Eder & Renger, 2006, 12). به گفته اوروکاگینا، هدف از این اصلاحات، مبارزه با اعمال ناروا و ظالمانه‌ای بوده که گروهی از کارمندان منفور دولت‌های پیشین اعمال می‌کرده‌اند. این کارمندان، در همه شئون زندگی مردم رخنه کرده بودند و علاوه بر تملک دارایی معابد، مالیات‌های گزاف و گوناگونی، به زور از مردم وصول می‌کردند.

اصلاحات اجتماعی اوروکاگینا، روی شش کتیبه به دست ما رسیده که متن سه روایت تقریباً مشابه از فرمان اوروکاگینا را ثبت می‌کنند (Sollberger, 1956). به نظر می‌رسد که اوروکاگینا، این سه متن را در زمان‌های متفاوت صادر کرده است. قانون‌گذاری اوروکاگینا، شاه لگش در سده ۲۴ ق. م.، به زبان سومری. متن خط میخی را سولبرگر نسخه‌برداری کرده است (Sollberger, 1956). در میان مطالعات فراوان که بر روی این متن دشوار و پیچیده انجام شده است، به دو ویرایش معتبر اشاره می‌کنیم: یکی، همراه با ترجمه آلمانی (Steible, 1982) و دیگری، به همراه ترجمه انگلیسی (Frayne, 2008). جرال کوپر نیز متن را به انگلیسی ترجمه کرده است (Cooper, 1986). می‌توان گفت که متن چهار قسمت اصلی دارد. اول، مقدمه است که کتیبه را پیشکش می‌کند به نین‌گیروسو، خدای اوروکاگینا و گزارش کوتاهی از فعالیت‌های عمرانی شاه (برای نمونه، ساخت کانال آب) دارد.

قسمت دوم، با این کلمات آغاز می‌شود: «از زمان‌های گذشته، از زمان بیرون آمدن دانه» و فهرست اعمال ناشایستی را ارایه می‌کند که در گذشته رایج بوده است. در میان این سوءاستفاده‌ها یا اعمال ناروا، می‌خوانیم که حاکم پیشین، اموال خدایان را غصب کرده است.

قسمت سوم، می‌گوید که چگونه اوروکاگینا به پادشاهی رسید و نظم نوین وی را توصیف می‌کند؛ وی اعمال ناروای گذشته را از میان بر می‌دارد و تدابیر جدید هم در پیش می‌گیرد. در میان این اصلاحات می‌خوانیم که خدایان به سروری زمین‌های حاکم شهر منصوب شده‌اند.

در پایان، متن برخی دیگر از فعالیت‌های عمرانی را ذکر کرده و می‌گوید که اوروکاگینا، بر اساس پیمان محکمی که با خدایش نین‌گیروسو بسته، عمل می‌کند.

در مورد تملک اموال معبد در دوره حاکمان فاسد پیش از اوروکاگینا، متن اصلاحات چنین می‌گوید:

**Ukg. 4-5 iv 9-18** (Steible, 1982, 292; Frayne, 2008, 260):

9 gu <sub>4</sub> -dingir-ré-ne-ke <sub>4</sub>	(ستون ۴، سطر ۹-۱۸) گاوهای خدایان
10 ki-sum-ma-	(یعنی معابد) مزرعه سیر حاکم (énsi) را
11 énsi-ka	شخم می‌زد و بهترین مزارع خدایان (یعنی
12 i-uru <sub>4</sub>	معابد) تبدیل شد به مزارع سیر و خیار
13 GÁNA-ša <sub>6</sub> -ga-	حاکم.
14 dingir-ré-ne-ka	
15 ki-sum-ma-	
16 ki-úkuš-	
17 énsi-ka	
18 e-gál-lam	

حاکمان شهر لگش، اغلب خود را انسی می‌نامند که معنای آن به درستی معلوم نیست؛ اما تقریباً به حاکم یا فرمانروا ترجمه می‌شود. در موارد اندکی هم از لقب لوگال؛ یعنی شاه استفاده می‌کنند. لقب لوگال را معمولاً حاکمان شهر اوما بر خود می‌نهند. وقتی که امپراتوری اکد تشکیل شد، این القاب در سلسله مراتبی قرار گرفتند که در آن، شاه از همه بالاتر بود. اما در دوره دولت‌شهرهای سومری، این سلسله مراتب نبود و به احتمال قوی، انسی و لوگال در یک ردیف هستند؛ یعنی حاکم یا شاه دولت‌شهر.

یک طبقه از مقامات عالی‌رتبه که در ستمگری نقش داشته، SANGA نامیده شده‌اند. این واژه سومری را پیش‌تر، روحانی (priest) ترجمه می‌کردند؛ اما صاحب این مقام، وظایف دینی برعهده نداشته است. بر این اساس در تحقیقات دو قرائت برای این نشانه پیشنهاد شده است (Visicato, 2000, 3): اگر قرائت šid شود؛ یعنی مأمور حسابرسی (accounting official) و اگر umbisag خوانده شود؛ یعنی مدیر یا اداره-کننده (administrator). برخی هم سنگا را مدیر یا متولی معبد (Tempelverwalter) ترجمه می‌کنند (Edzard, 2004, 59). در مورد خلاف‌کاری‌های سنگا (sanga) در متن سومری چنین می‌خوانیم:

**Ukg. 4 v 22- vi 3 = Ukg. 5 v 19-22** (Steible, 1982, 292):

sanga-GAR-ke <sub>4</sub>	(ستون ۵، سطر ۲۲ تا ستون ۶، سطر ۳)
kiri <sub>6</sub> -ama-úku-rá	مدیران (یا متولیان معابد)، باغ‌های فقرا را
giš na ba-ni-ri-ri	غارت کردند و محصول آن را جمع کردند و
gi-lam e-ta-kéš-DU	بردند.



مأموران ستمکار، حتی برای دفن مردگان، مالیات گزاف می‌ستاندند (Frayne 2008, 61-260). برای طلاق هم مالیات وضع شده بود:

**Ukg. 6 ii 15-21** (Steible, 1982, 316; Frayne, 2008, 273):

lú dam ù-tag <sub>4</sub> kù gín-5-am <sub>6</sub> énsi-ke <sub>4</sub> ba-DU kù gín-1-am <sub>6</sub> sukkal-mah-e ba-DU	(ستون ۲، سطر ۱۵ - ۲۱)، بعد از این که مردی همسرش را طلاق می‌داد، حاکم شهر (انسی)، ۵ شقل نقره می‌گرفت؛ وزیر اعظم یک شکل می‌گرفت.
---	--

مردم لگش که از این همه ظلم و بیداد به ستوه آمده بودند، خاندان اور- نانشه را برانداختند و فرمانروایی جدید برای خود برگزیدند. شاه جدید که اوروکاگینا نام دارد، در مدت کوتاهی نظم و قانون را در کشور برقرار ساخت و آزادی مردم لگش را تثبیت کرد. او با نین گیرسو، خدای لگش پیمان بست که هرگز اجازه ندهد یتیمان و بیوه‌زنان، طعمه زورمندان گردند:

**Ukg. 4 xii 23-28 = Ukg. 5 xi 30- xii 4** (Steible, 1982, 310; Frayne, 2008, 265):

23 nu-siki nu-ma-kúš 24 lú-á-tuku 25 nu-na-gá-gá-a 26 <sup>d</sup> nin-gir-su-da 27 URU-KA-gi-na-ke <sub>4</sub> 28 inim-bi ka e-da-kéš	(ستون ۱۲، سطر ۲۳ - ۲۸) اوروکاگینا، با خداوند نین گیرسو پیمان بست که هرگز یتیم یا بیوه را تسلیم قدرتمند نکند.
--	--

با این توضیحات، می‌توان گفت که نخستین نمونه قانون‌گذاری، نه در قالب قانون‌نامه؛ بلکه در شکل فرمان‌های سلطنتی مشاهده می‌شود. نمونه‌های فراوانی از فرمان‌های سلطنتی وجود دارد که کامل‌ترین آن‌ها عبارتند از: فرمان اوروکاگینا، شاه لگش، سده ۲۴؛ فرمان عمی صدوقه، شاه بابل، در سده ۱۷؛ فرمان تله پینوس، شاه هیتی، سده ۱۶ و فرمان هورمهب، شاه مصر، در سده ۱۴. تمام این فرمان‌ها را پادشاهان به‌طور رسمی اعلام کرده و در آن، موضوع یا موضوعاتی از حقوق عرفی رایج را اصلاح می‌کنند و به همین دلیل، این متون را فرمان اصلاحات اجتماعی هم نامیده‌اند (Edzard, 1974, 146). ریموند وستبروک می‌گوید: شواهد خارجی درباره این متون، تردیدی نسبت به اجرا و اعمال آن‌ها در رویه عملی باقی نمی‌گذارد. به راستی، وجود بیشتر فرمان‌های شاهی، تنها از طریق مدارک دال بر تأثیر عملی آن‌ها شناخته شده است. همان مدارک

نشان می‌دهند که آن‌ها پدیده رایج و گسترده‌ای بوده و نه تنها در حوزه ادبیات خط میخی؛ بلکه در کل خاور نزدیک باستان متداول بوده‌اند (Westbrook, 1989).

وستبروک، به شش مورد از این شواهد خارجی اشاره می‌کند: تغییرات حاصل در اسناد اقتصادی همزمان، گواه تأثیر فرمان‌های شاهی در رویه عملی است. به عنوان مثال، اسناد معبد الاله بنو نشان می‌دهد که فعالیت این سازمان، بعد از صدور فرمان اورکاگینا، حداقل دو برابر شده است. در قراردادهای خصوصی بین افراد، هر جا که لازم است تأکید شود که زمان تنظیم عقد مورد بحث، بعد از صدور فرمان بوده، به طور غیرمستقیم به فرمان‌ها اشاره شده است. در دعاوی حقوقی و شکواییه‌ها، به فرمان شاهی استناد شده و انتشار این فرمان‌ها در سال‌ها و داستان‌های تاریخی ثبت گردیده است (Westbrook, 1989). خلاف ادوارد (Edzard, 1974, 155)، تمام این مدارک و شواهد نشان می‌دهند که فرمان‌های شاهی، قوانین هنجاری بوده‌اند؛ یعنی متن فرمان مجموعه قوانینی را وضع می‌کند که در زمانی خاص از قدرت اجرایی برخوردار و اجرای آن برای محاکم، لازم می‌شود. محتوای قانون‌گذاری اوروکاگینا را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱) اصلاح و تعدیل در دستگاه اداری سلطنتی: برخی مناصب و موقعیت‌های شغلی ایجاد و برخی حذف شده‌اند. با خلاف‌کاری مأموران سازمان‌های عمومی (معبد و دربار)، مقابله و برای تکرار چنین تخلفاتی در آینده، مجازات تعیین شده است؛ سازمان‌دهی جدید برای اداره اموال عمومی.

۲) تثبیت تعرفه‌ها برای برخی فعالیت‌ها، از قبیل بهره‌وام، بهای کالا و خدمات؛ مانند وضع تعرفه‌های عادلانه برای مراسم خاکسپاری. ماهیت وضع تعرفه؛ یعنی مداخله در معاملات خصوصی بین شهروندان و از این رو، بر تمام مردم تأثیر می‌گذارد.

۳) فرمان‌های لغو دیون: بر اساس مدارکی که کراوس جمع‌آوری کرده است، این مقوله رایج‌ترین موضوع در فرمان‌های شاهی بوده است (Kraus, 1984, 6). مهم‌ترین نمونه این گونه فرمان‌ها، از عمی صدوقه به ما رسیده است. در این فرمان ۲۲ ماده‌ای، عمی صدوقه، در کشور عدالت و انصاف برقرار کرد (*mīšarum šakānum*)، که به خصوص اشاره می‌کند به لغو تمام دیون غیرتجاری و معاملات مبتنی بر آن؛ مانند بردگی ناشی از دین (Kraus, 1984, 169). فرمان لغو دیون، قابلیت اجرایی داشته و به طور مستقیم بر معاملات خصوصی تأثیر می‌گذاشته است؛ اما این تأثیر، همیشه معطوف به گذشته بوده

است؛ یعنی بر قراردادهای موجود اثر می‌گذارد، نه بر اعمال حقوقی آینده؛ پس اگر در فرمان اوروکاگینا می‌خوانیم که مجازات مالی سرقت لغو شده است، به معنی رواج بی‌قانونی و بی‌مجازات رهاکردن سارقان نیست؛ بلکه بنا به مصالحی آن دسته از مجرمان را که در حال تحمل مجازات هستند، آزاد می‌کنند. این مقوله، با فرمان‌های عفو عمومی در حقوق جدید، قابل مقایسه است. دربارهٔ انگیزه شاهان از صدور فرمان لغو دیون، بحث فراوان شده است. برخی گفته‌اند که این فرمان‌ها، تنها تبلیغات بوده و هیچ‌گاه به مرحلهٔ عمل نرسیده‌اند (Edzard, 1974)؛ اما تحقیقات جدید، همه بر اجرایی شدن این فرمان‌ها گواهی می‌دهند (Charpin 2003, 206). کراوس معتقد است که کسب محبوبیت، انگیزهٔ اصلی بوده است. حکومت (Obrigkeit) می‌خواهد با وضع این گونه مقررات که به ضرر طبقهٔ ثروتمند جامعه است، خود را در نزد عوام‌الناس (kleinen Manne) محبوب و حمایت‌ایشان را جلب کند (Kraus, 1984, 209). ون دو میروپ، نظر دیگری دارد. وی می‌گوید: بدهکار بودن قشر عظیم شهروندان به وام‌دهندگان خصوصی باعث می‌شود که ایشان به بردگی وام‌دهندگان درآیند و این، به نفع دولت نیست؛ زیرا به کار و مالیات مردم نیازمند است؛ پس فرمان لغو دیون، به نفع خود شاه است (Van de Mieroop, 1992, 118).

ما با نظر کراوس موافقیم که دولت به دنبال کسب محبوبیت، نزد اکثریت جامعه بوده است، به خصوص اگر توجه کنیم که فرمان‌های لغو دیون، معمولاً در آغاز سلطنت شاهان صادر می‌شده است؛ اما دیدگاه ون دو میروپ نشان می‌دهد که نباید کسب محبوبیت را تنها انگیزه به‌شمار آورد. به هر حال برای رسیدن به هردو مقصود، عملی بودن و اجرایی شدن فرمان ضروری است. قسمت زیر از اصلاحات اوروکاگینا، مربوط به فرمان لغو دیون است.

**Ukg.4 xii 13-22 = Ukg.5 xi 20-29** (Steible, 1982, 308; Frayne, 2008, 264):

13 dumu-lagaš.KI	در مورد شهروندان لگش:
14 ur <sub>5</sub> -ra ti-la	کسی که مدیون بود،
15 gur-gub-ba	کسی که معیار (جعلی) گور ساخته بود (یا استفاده کرده بود)،
16 še-si-ga	کسی که (با تقلب) معیار گور را با غله پر کرده بود،
17 níg-zuh-a	سارق،
18 sag-giš-ra-a	قاتل،
19 é-EŠ-bi	او زندان را (از همه ایشان) پاک کرد،
20 e-luh	و آزادی ایشان را تثبیت کرد.
21 ama-gi <sub>4</sub> -bi	
22 e-gar	

کسانی که مرتکب جرمی می‌شدند، در مواردی به پرداخت جریمه یا خون‌بها محکوم می‌شده‌اند؛ اما اگر مجرم از پرداخت جریمه ناتوان باشد، بردگی ناشی از دین بر او تحمیل می‌شود یا تا زمان پرداخت، زندانی می‌شود. فرمان اوروکاگینا، دین کسانی را لغو می‌کند که به‌طور عادی مدیون هستند، یا به دلیل ناتوانی در پرداخت جریمه یا خون‌بها، در زندان به سر می‌برند. در نتیجه لغو دین، مدیون آزاد می‌شود. به دلیل اختصار و موجز بودن متن، معنای سطر ۱۵ - ۱۶، مدت‌ها به درستی معلوم نبود؛ اما استاینکالر به درستی نشان داده است که این قسمت از فرمان، دین یا محکومیت مالی کلاه‌بردارانی را لغو می‌کند که به دو شیوه کلاه‌برداری کرده بودند: ساختن یا استفاده از سنگ وزن‌ها یا وسیله‌های اندازه‌گیری تقلبی و تقلب در توزین؛ یعنی استفاده متقلبانه از وسایل اندازه‌گیری (Steinkeller, 1991, 232, note 27). جالب توجه است که در این دوره ابتدایی، تقلب با وسایل اندازه‌گیری شناخته و جرم‌انگاری شده بود. به علاوه، متن نشان می‌دهد که سرقت و کلاه‌برداری، دو جرم متفاوت تلقی می‌شده‌اند. فرمان اوروکاگینا، دوباره به بخشیدن محکومیت مالی سارقان اشاره می‌کند.

**Ukg. 6 iii 10-13** (Steible, 1982, 318; Frayne, 2008, 273):

10 níg-zuh-a 11 za-áš-da-bi i-šub 12 níg-ú-gi <sub>x</sub> (=PAD)-dé-a 13 a-bul <sub>5</sub> (ZAR)-la e-lá	سرقت، مجازات مالی آن لغو شد؛ اموال ضاله بر دروازه شهر آویخته شدند.
---	---

واژه سومری ziz<sub>2</sub>-da را ما به مجازات مالی ترجمه کردیم؛ به روشنی نوعی مجازات است که جنبه مالی داشته و معمولاً به صورت نقره به زیان‌دیده پرداخت می‌شده؛ چون مقدار آن از مال مسروقه بیشتر و گاه، چند برابر است، به وضوح با جبران خسارت متفاوت است و جنبه کیفری دارد (Westbrook, 1996, 450). عبارتی معماگونه در فرمان را با این تفسیر می‌توان توضیح داد.

**Ukg. 6 iii 20-24** (Steible, 1982, 318; Frayne, 2008, 273):

20 munus-u <sub>4</sub> -bi-ta-ke <sub>4</sub> -ne 21 nita-2-ta 22 i-tuku-am <sub>6</sub> 23 munus-u <sub>4</sub> -da-e-ne 24 za-áš-da-bi i-šub	زنان دوره‌های پیشین، دو مرد داشتند؛ زنان امروز، مجازات مالی (ziz <sub>2</sub> .da) ایشان لغو شده است.
---	---

برخی محققان گمان کرده‌اند که این عبارت، به چندشوهری اشاره می‌کند؛ یعنی در دوره‌های پیشین، زنان می‌توانستند دو شوهر داشته باشند؛ اما اوروکاگینا این سنت را اصلاح کرده است. گلاسرنر هم گفته که متن به حق شب اول اشاره می‌کند که در

گذشته، حاکم ظالم ادعا می‌کرده هر زن جوانی که ازدواج می‌کند، باید شب اول را با وی سپری کند (Glassner, 1989, 76)؛ اما در بستر لغو دیون، معنای این عبارت بهتر فهمیده می‌شود. مرد اول، پدر یا شوهر زن است که دینی به عهده دارد و از پرداخت آن ناتوان است. این دین، ممکن است در اثر دریافت وام یا ارتکاب جرم ایجاد شده باشد. مرد دوم، صاحب حق است که حق وی در دادگاه اثبات شده و به دلیل ناتوانی مدیون در پرداخت حق، عضوی از خانواده او را به بردگی می‌گیرد؛ پس ziz<sub>2</sub>.da آن دینی است که در اثر ارتکاب جرم (مثل سرقت) به وجود آمده است.

یکی از مفاهیم رایج در میان محققان نهادهای سیاسی سومر، مفهوم معبد شهر (Temple-City) است؛ یعنی گونه‌ای نهاد سیاسی که در آن حاکم شهر به عنوان نمایندهٔ خدای شهر، مالک همهٔ زمین‌های کشاورزی است و مالکیت خصوصی زمین کشاورزی وجود ندارد، یا تنها به‌ندرت مشاهده می‌شود. مهم‌ترین دلیل این نظر، یکی از عبارت‌های فرمان اوروکاگینا است (Steible, 1982, 300). فالکن اشتاین، عبارت مورد نظر را چنین ترجمه می‌کند (Falkenstein, 1974, 7):

In the house of the city ruler, in the field(s) of the city ruler, he reinstated Ningirsu as their lord.

در خانه و مزارع انسی (یا همسر او و ولی‌عهد وی)، نین گیرسو، خدای شهر گیرسو (یا همسر خدا، الاهی بابا و پسر این دو خدا)، دوباره به عنوان مالک تثبیت شدند.

از این عبارت، چنین برداشت شده است که قبلاً همهٔ زمین‌ها در تملک خدای شهر و خانوادهٔ او بوده است. در یک دورهٔ تباهی و فساد، حاکم شهر و متولیان معابد اموال خدا را تصاحب کردند. اکنون، اوروکاگینا حالت قبلی را احیا کرده و دوباره مالکیت خدا را بر مزارع تثبیت می‌کند (Falkenstein, 1974, 7) بازگرداندن حالت ابتدایی در ادبیات سومری و اکدی، همیشه وضعیت مطلوب و معیار ایده‌آل است. آنچه را ما در لغت سومری، به برقرار کردن آزادی، تثبیت آزادی، یا آزاد کردن ترجمه می‌کنیم، از نظر لغوی؛ یعنی بازگشت دادن به مادر (ama-r gi<sub>4</sub>)؛ چون معمولاً همهٔ مردم در حالت تولد از مادر آزاد هستند و هیچ بند و تعهدی بر دوش ندارند (Edzrad, 1974, 146)؛ اما فعل سومری gub؛ یعنی نصب کردن، قرار دادن یا تأسیس کردن و قید دوباره، در متن سومری نیست. اشتایبل، ترجمهٔ صحیح را به دست داده است. هانس نیسن، دربارهٔ علت رواج این تفسیر، توضیح جالبی ارائه کرده است. وی می‌گوید اگر فرمان اوروکاگینا، این

تصور را ایجاد کرده که اقدامات وی بازگرداندن و احیای سنت‌های قدیمی بوده و نه نوآوری و بدعت، احتمالاً قصد آگاهانه اوروکاگینا همین بوده است. وی می‌خواهد برای کسب مشروعیت، نوآوری‌های خود را با عنوان احیاگری بیوشاند تا بدعت‌گذار تلقی نشود (Nissen, 1988, 148). اینک قسمت مورد نظر را می‌خوانیم:

**Ukg. 4: 7-21 = Ukg. 5: 16-19** (Steible, 1982, 300; Frayne, 2008, 262):

7 é-énsi-ka 8 GANÁ-énsi-ka-ka 9 dnin-gír-su 10 lugal-ba 11 i-gub	در خانه حاکم، در مزارع حاکم، خداوند نین گیرسو را به عنوان مالک، او (اوروکاگینا) منصوب کرد.
12 é-É.MÍ 13 GANÁ.É.MÍ-ka 14 <sup>d</sup> ba-ba <sub>6</sub> 15 nin-ba 16 i-gub	در خانه زن، در مزارع زن، الاهه بابا را عنوان مالک - بانو، او (اوروکاگینا) منصوب کرد.
17 é-nam-dumu 18 GANÁ-nam-dumu-ka 19 <sup>d</sup> šul-ša-ga-na 20 lugal-ba 21 i-gub	در خانه فرزندان، در مزارع فرزندان، خداوند شولشگانا را به عنوان مالک، او (اوروکاگینا) منصوب کرد.

جوامع خاور نزدیک باستان، بر اساس سلسله مراتب سازمان‌دهی شده بودند. واحد اصلی خانواده بود که پدر، رئیس آن بود و همسران، فرزندان و بردگان، اعضای وابسته بودند. در مرتبه بالاتر از خانواده شهروندان عادی، خانواده اشراف بود و بالاتر از ایشان، خانواده شاه و بالاتر از شاه، خدایان بودند که سازمان و سلسله مراتب مجمع خدایان نیز به صورت خانواده بود. واژه برده در زبان سومری و اکدی، ساختار اجتماع را به خوبی نشان می‌دهد. برده؛ یعنی کسی که آزاد نیست و البته بردگان، در پایین‌ترین طبقه بودند؛ اما این واژه برای توصیف رابطه پایین‌دست و بالادست هم به کار می‌رود. بدین سان افراد آزاد، برده شاه خوانده می‌شوند و هر دو، خود برده خدایان هستند. ریموند وستبروک، به درستی می‌گوید که مفهوم عدالت اجتماعی در چنین جامعه‌ای، البته برابری نیست (Westbrook, 1995, 149). از بین بردن فقر هم اصلاً متصور نبود. عدالت اجتماعی، در قالب حمایت کردن ضعفا در برابر ستم افراد قوی بیان می‌شد: اول، حمایت از وضع حقوقی، مثل منع بردگی ناروا و منع کار اجباری برای مقاصد شخصی؛ دوم، حمایت از اموال، مثل منع تصرف عدوانی و سوم، حمایت از وضعیت اقتصادی، مطابق جایگاه فرد

در سلسله مراتب اجتماع. این اندیشه، به شیوه زیر بیان شده است ( Wilcke, 2002, 310): «قوی به ضعیف ستم نکند، عدالت برای یتیم و بیوه اجرا شود (یعنی آنچه حق ایشان است، به آن‌ها داده شود)؛ یا یتیم به انسان ثروتمند داده نشود؛ بیوه به انسان قدرتمند داده نشود و مرد یک شقلی، به مرد شصت شقلی داده نشود». یتیم و بیوه، ضرورتاً فقیر نیستند؛ اما چون سرپرست ندارند کسی از حقوق ایشان حمایت نمی‌کند و حقوق ایشان، از جمله حق ارث ممکن است به سادگی ضایع شود. پس، شاه که پدر کل مردم است باید از ایشان حمایت کند. حمورابی، خود را چنین توصیف می‌کند: اربابی که از مردمش حمایت می‌کند؛ آن‌گونه که پدر از فرزند (حمایت می‌کند). در زمان اوروکاگینا که مفاهیم انتزاعی کاملاً رشد نکرده، آرمان عدالت و برقرار کردن امنیت حقوقی - اجتماعی، با آوردن مثال به‌روشنی بیان شده است:

**Ukg. 4 xi 32– xii 11= Ukg. 5 xi 1–18** (Steible, 1982, 308; Frayne, 2008, 264):

<p>é-lú-gu-la-ke<sub>4</sub>          é-ŠUB-lugal-k a          ab-ús-sa          lú-gu-la-bi          ga-šè-sa<sub>10</sub>          ù-na-du<sub>11</sub>          u<sub>4</sub>-da          mu-šè-sa<sub>10</sub>-sa<sub>10</sub>          kù šâ-gá a-ša<sub>6</sub>-ga          lá-ma          é-mu pisan-nam          še si-ma-ni          ù-na-du<sub>11</sub>          u<sub>4</sub>-da nu-še-sa<sub>10</sub>-sa<sub>10</sub>          lú-gu-la-bi          ŠUB-lugal-ra          ÁB.ŠÀ-bi          na-na-tag-ge          ì-du<sub>11</sub></p>	<p>او (اوروکاگینا) چنین مقرر کرد:          اگر خانه نجیب‌زاده (یا فرد قدرتمند و با نفوذ) در کنار خانه فرد عادی باشد و نجیب‌زاده به او بگوید: «می‌خواهم آن (خانه‌ات) را از تو بخرم!»          و او (فرد عادی) بگوید: «اگر می‌خواهی آن را از من بخری، ثمن قانع‌کننده به من بده: خانه من سبدی است که تو باید آن را با غله پر کنی!»          اگر نجیب‌زاده خانه را از او نخرد، نباید از روی خشم به آن فرد عادی آسیب بزند.</p>
--	---

فعل سومری tag؛ یعنی لمس کردن و دست‌زدن؛ اما معنای آسیب‌رساندن، کاملاً معلوم است. دو ترجمه رایج، این تفسیر را نشان می‌دهد:

Steible 1982, 309	(den Zorn darüber) fuehlen lassen
Cooper 1986, 72	strike at him

یکی دیگر از اشکالات وارد بر نظریهٔ معبد شهر، محدودیت مکانی و زمانی منابع است. از نظر مکانی، فقط مبتنی بر آرشیوهای معبد بئو در گیرسو است و از نظر زمانی، محدود به دورهٔ حکومت لوگال اندا و اوروکاگینا (Edzard, 2004, 58). لوگال اندا، حاکم لگش بود که در حدود ۲۳۶۰ ق. م.، به مدت ۶ سال حکومت کرد و اوروکاگینا، جانشین وی شد (Eder & Renger, 2006, 12). اسناد بایگانی شده در معبد الاهی‌بابا در شهر گیرسو، نوعی دستگاه اداری را نشان می‌دهد که رییس آن زوجهٔ انسی یا یک سنگا (متولی معبد) است و همهٔ فعالیت‌های اقتصادی، از جمله تجارت، به‌طور مستقیم به معبد مرتبط است (Edzard, 2004, 59): کشاورزی، باغداری، پرورش دام‌های اهلی و تولید محصولات دامی، ماهی‌گیری و پرداخت‌های جنسی (غیرنقدی) به کارگران و خدمه.

اوروکاگینا، به روشنی ادعا می‌کند که در سازمان‌دهی دوبارهٔ دولت، سلطه بر همهٔ زمین‌های کشاورزی را از خود و خانواده‌اش گرفته و به خداوند نین گیرسو و زوجه‌اش، الاهی بئو (= بابا) و پسر ایشان منتقل کرده است. به علاوه، برخی مالیات‌های گزاف گذشته را لغو کرده و برخی دیون خانواده‌های بدهکار را بخشیده است. در عین حال، ما شاهد تغییر بنیادین دستگاه اداری دولت لگش هستیم (Maekawa, 1973-74). نهادی که در گذشته سازمان زن نامیده می‌شد، به سازمان بئو تغییر نام داد. سازمان یا خانهٔ زن (é-mí)، نهادی بود که تحت ریاست زوجهٔ حاکم دولت‌شهر اداره می‌شد و سازمان یا خانهٔ بئو (é-Bau)، به نهاد تحت ریاست بئو، زوجهٔ خداوند نین گیرسو اشاره دارد.

با سازمان‌دهی جدید، همهٔ اموال آن نهاد، به‌طور رسمی اموال خداوند هستند؛ اما اکنون اوروکاگینا و همسرش، متولیان اصلی شده‌اند. همزمان با این تغییر نام، فعالیت‌های سازمان بئو؛ به‌طور چشم‌گیری گسترش می‌یابد، تعداد خدمه و زمین‌های کشاورزی تحت سلطهٔ آن دو برابر می‌شود؛ به این ترتیب که اموال معابد دیگر نیز به سازمان بئو منتقل می‌شوند. به نظر می‌رسد که حاکم تلاش می‌کند سازمان‌های مختلف را تحت سلطهٔ خود درآورد. در ظاهر، همهٔ املاک را به خدای شهر و خانواده‌اش منتقل کرده است؛ اما در واقع خود و خانواده‌اش در نظر دارند بر املاک همهٔ خدایان مسلط شوند. اکنون، شاه که با عنایت خدا حکومت می‌کند، همهٔ متعلقات دنیوی خدا را در اختیار دارد و اداره می‌کند؛ پس مشاهده می‌کنیم که تمایز میان قدرت دنیوی و دینی از بین می‌رود. شاه که پیش‌تر، فقط قدرت دنیوی (سکولار) را در دست داشت، اکنون ادارهٔ معبد را هم به دست می‌گیرد.



ون دو میروپ می‌گوید که اقدامات اوروکاگینا، دیر نپایید؛ چون حکومت وی به دست لوگال سگزی سقوط کرد؛ اما اندیشهٔ اتحاد دین و دولت زودگذر نبود. شاهان بعدی، همه ادعا کردند که قدرت خود را از خدایان گرفته‌اند؛ اما در عین حال، اموال معبد را زیر سلطه داشتند و اساس واقعی قدرت ایشان، نیروی نظامی بود (Van De Mieroop, 2007, 47). بر اساس همین اندیشه، فهرست سومری شاهان می‌نویسد که شاهی از آسمان به زمین آمده است و بدین‌سان، اتحاد دین و دولت را ازلی می‌خواند (Jacobsen, 1939, 70).

<p>1 [nam]-lugal an-ta e<sub>11</sub>-dè-a-ba 2 [erid]a<sup>ki</sup> nam-lugal-la</p>	<p>هنگامی که پادشاهی از آسمان به زمین پایین آورده شد، پادشاهی در شهر اریدو بود.</p>
---	---

### نتیجه

در این مقاله نشان دادیم که برای مطالعهٔ شکل‌گیری حقوق در جامعهٔ سومری، لازم است که ابتدا به انقلاب بزرگ اشاره کنیم که در دورهٔ پیش از تاریخ روی داد و به‌طور اساسی، زندگی انسان را دگرگون ساخت. یکی، انقلاب کشاورزی است که برای انسان امکان یکجانشینی را فراهم کرد و انسان دیگر مجبور نبود مدام به دنبال غذا از جایی به جای دیگر کوچ کند. دوم، انقلاب شهری است که در هزارهٔ چهارم ق. م. پدید آمد. اوروک، در جنوب بین‌النهرین، نخستین شهر به معنای واقعی است که جمعیت آن حداقل بیست هزار نفر بوده است. زندگی چنین جمعیت بزرگی در داخل دیوارهای شهر اوروک، گواهی بر پیچیدگی خاص زندگی شهری است. حاکمان این شهر، می‌بایست حجم گسترده‌ای از غذا، مواد خام و نیروی کار را مدیریت می‌کردند. این دستگاه اداری پیچیده، نیازمند وسیله‌ای کارآمد برای ثبت اطلاعات نیروی کار و اموال عمومی بود. بدین سان، نگارش برای پاسخ به نیاز ابداع شد. پانصد سال بعد از ابداع خط، اولین اسناد حقوقی نوشته شدند و در حدود ۲۴۰۰ ق. م.، کتیبه‌های شاهی اوروکاگینا، شاه لگش، اولین قانون‌گذاری به معنای واقعی را برای ما ثبت کرده‌اند. با مطالعهٔ قانون‌گذاری اوروکاگینا، به‌طور شگفت‌آوری شاهد اولین ظهور اندیشهٔ اتحاد دین و دولت هستیم. اوروکاگینا، معبدهای مختلف را زیر سلطهٔ خود درآورد. در ظاهر، همهٔ املاک خود را به خدای شهر و خانواده‌اش منتقل کرده است؛ اما در واقع خود و خانواده‌اش، بر املاک

همه خدایان مسلط شدند. اکنون، شاه که با عنایت خدا حکومت می‌کند، همه متعلقات دنیوی خدا را در اختیار دارد و اداره می‌کند؛ پس مشاهده می‌کنیم که تمایز میان قدرت دنیوی و دینی از بین می‌رود. شاه که پیش‌تر، فقط قدرت دنیوی (سکولار) را در دست داشت، اکنون اداره معبد را هم به دست می‌گیرد.

### پی‌نوشت:

۱. تاریخ‌گذاری متون به‌دست‌آمده از شوش دقیق است چون، لایه‌های باستان‌شناختی امکان تاریخ‌گذاری را به دست می‌دهد. اما در اوروک، متون خط میخی ابتدایی را نمی‌توان به کمک لایه‌های باستان‌شناختی تاریخ‌گذاری کرد چون این متون از سیاق اصلی خارج شده‌اند. این متون اوروک را در همان دوره باستانی برای ساختن پی ساختمان معبد انا به‌کار برده‌اند، لذا تاریخ آنها به‌روشنی، از تاریخ لایه‌های موجود باید قدیمی‌تر باشد. به دلیل پیچیدگی بیشتر زندگی اجتماعی در اوروک، محققان ابداع خط در اوروک را مقدم می‌دانند. جمعیت اوروک در آن دوره حدوداً ۲۰۰۰۰ نفر برآورد شده در حالی که جمعیت شوش در همان زمان نزدیک به ۱۶۰۰ نفر بوده است که درجه پیچیدگی اجتماعی در اوروک را نشان می‌دهد. در متن مقاله راجع به ارتباط پیچیدگی زندگی اجتماعی و ابداع خط توضیح می‌دهیم.

آقای گلاسنر نشان می‌دهد که متون عددی در شوش قدیمی‌تر از اوروک هستند و به همین دلیل نگارش در شوش را مقدم بر اوروک می‌داند. متون عددی، متونی هستند که فقط عدد در آنها ثبت شده است. اما نگارش به معنای واقعی به ثبت عدد و اندیشه نگار گفته می‌شود. به همین دلیل عموم محققان متون عددی را مربوط به مرحله پیش از نگارش می‌دانند. پس استدلال گلاسنر پذیرفتنی نیست.

### ضمیمه

(۱) فهرست شاهان سلسله اول لگش، از حدود ۲۵۲۰ تا ۲۳۵۰

#### The First Dynasty of Lagash (circa 2520-2350)

After Lafont 2005, 166 (see also Edzrad, 2004, 52):

1- Ur <sup>d</sup> -Nanše	مؤسس سلسله
2- A-kur-gal	پسر نفر ۱
3- É-an-na-túm	پسر نفر ۲
4- En-an-na-túm I	پسر نفر ۲
5- En-te-me-na	پسر نفر ۴
6- En-an-na-túm II	پسر نفر ۵
7- En-èn-tar-zi	نام زوجه: دیم تور Dim-tur
8- Lugal-an-da	پسر نفر ۷
	نام زوجه: برنم تارا Bár-nam-tar-ra
9- Uru-KA-gi-na	نسب وی نامعلوم است. نام زوجه، شاشا Ša <sub>6</sub> -ša <sub>6</sub> این سلسله، به دست لوگال سگری سقوط کرد.

۲) اعضای خانواده نین گیرسو، خدای شهر گیرسو

<sup>d</sup> nin-gír-su	نین گیرسو (در لغت؛ یعنی ارباب شهر گیرسو)
<sup>d</sup> ba-ú (= <sup>d</sup> ba-ba <sub>6</sub> )	الاهه بتو (بابا هم قرائت شده است)، زوجه نین گیرسو
<sup>d</sup> šul-šà-ga-na	شولشگانا، پسر ارشد نین گیرسو
<sup>d</sup> ig-alim	ایگالیم، پسر دوم نین گیرسو

منابع

- Adams, R. M. C. C. (1981). *Heartland of Cities: Surveys of Ancient Settlement and Land Use on the Central Floodplain of the Euphrates*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Bauer, J., Robert, K. E., & Manfred, K. (1998). *Mesopotamien: Späturuk-Zeit und Frühdynastische Zeit*, Orbis Biblicus et Orientalis 160/1, Freiburg: Universitätsverlag.
- Charpin, D. (2003). *Hammu-rabi, Roi de Babylone*, Paris: Presses Universitaires de France.
- Cooper, J. S. (1986). *Sumerian and Akkadian Royal Inscriptions*, New Haven, Conn: the American Oriental Society.
- Cooper, J. S. (1996). "Sumerian and Akkadian," in Daniels, Peter T. and William Bright (eds.), *The World's Writing Systems*. Oxford: Oxford University Press, 37-72.
- Diakonoff, I. M. (1958). "Some Remarks on the 'Reforms' of Urukagina," *Revue d'Assyriologie*, 52, 1-15.
- Eder, W., & Renger, J. (2006). *Chronologies of the Ancient World: Names, Dates and Dynasties*, Brill's New Pauly – Supplement 1, Leiden: E.J. Brill.
- Edzard, D. O. (1974). "Soziale Reformen im Zweitstromland bis ca. 1600 v. Chr.: Realität oder Literarischer Topos?," in J. Harmatta and G. Komoroczy (editors), *Wirtschaft und Gesellschaft im alten Vorderasien*, Budapest: Akademiai Kiado.
- Edzard, D. O. (2004). *Geschichte Mesopotamiens: von den Sumerern bis zu Alexander dem Grossen*, Munich: C.H. Beck.
- Englund, R. K. (1998). "Texts from the Late Uruk Period," in Bauer, Josef, Robert K. Englund and Manfred Krebernik, *Mesopotamien: Späturuk-Zeit und Frühdynastische Zeit*, Orbis Biblicus et Orientalis 160/1, Freiburg: Universitätsverlag, 15-233.
- Falkenstein, A. (1974). *The Sumerian Temple City*, Monographs in History: Ancient Near East 1/1, tr. Maria de J. Ellis, Los Angeles: Undena.
- Finkbeiner, U. (1991). *Uruk Kampagne 35-37, 1982-1984, Die archäologische Oberflächenuntersuchung (Survey)*, Ausgrabungen in Uruk-Warka Endberichte, 4, Mainz: Philipp von Zabern.
- Foster, B. R. (1981). "A New Look at the Sumerian Temple State," *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 24-3, 225-41.

- Frayne, D. R. (2008). *Presargonic Period (2700-2350 BC)*, Toronto: University of Toronto Press.
- Glassner, J. J. (1989). "Women, Hospitality, and the Honor of the Family," in Lesko, B. (ed.), *Women's Earliest Records: From Ancient Egypt and Western Asia*, Atlanta: Scholars Press, 71-94.
- Glassner, J. J. (2000). *Écrire à Sumer, L'invention du cunéiforme*, Paris.
- Hallo, W. W., & Kelly Simpson, W. (1998). *The Ancient Near East: A History*, second edition, New York: Harcourt Brace College Publishers.
- Jacobsen, Th. (1939). *The Sumerian King List*, Chicago: The University of Chicago Press.
- Kraus, F. R. (1984). *Königliche Verfügungen in altbabylonischer Zeit*, Leiden : E.J. Brill.
- Lafont, B. (2005). "Sumer: II. La société Sumérienne," in Pirot, L. et al. (eds.), *Supplément Au Dictionnaire de la Bible*, Paris, vol. 13, cols. 124-204.
- Liverani, Mario 2006, *Uruk: The First City*, translated by Zainab Bahrani and Marc Van De Mieroop, London: Equinox.
- Maekawa, K. (1973-74). "The Development of the E-MI in Lagash during Early Dynastic III," *Mesopotamia*, 8-9, 77-144.
- Nissen Hans, J. (1988). *The Early History of the Ancient Near East, 9000-2000 B.C.*, translated by Elizabeth Lutzeier, with Kenneth J. Northcott, Chicago: University of Chicago Press.
- Nissen Hans, J. (1998). "L'invention de l'écriture cunéiforme: les tablettes archaïques d'Uruk," in Bertin, Charles (ed.), *En Syrie: aux origines de l'écriture*, Turnhout: Brepols, 21-31.
- Nissen Hans, J. (2001). "Cultural and Political Networks in the Ancient Near East during the Fourth and Third Millennia B.C.," in Rothman, Mitchell S. (ed.), *Uruk Mesopotamia and Its Neighbors: Cross-Cultural Interactions in the Era of State Formation*, Santa Fe, New Mexico: School of American Research Press, 149-180.
- Nissen, Hans J. & Heine, P. (2003). *Von Mesopotamien zum Irak: Kleine Geschichte eines alten Landes*, Berlin: Verlag Klaus Wagenbach.
- Roaf, M. (1990). *Cultural Atlas of Mesopotamia and the Ancient Near East*, New York: Facts on File.
- Sallaberger, W., & Westenholz, A. (1999). *Akkade-Zeit und Ur III-Zeit*, Orbis biblicus et orientalis 160/3, Göttingen: Vandenhoeck and Ruprecht.
- Schmandt-Besserat, D. (1996). *How Writing Came About*, Austin: University of Texas Press.
- Sollberger, E. (1956). *Corpus des Inscriptions 'Royales' Présargoniques de Lagaš*, Genève: E. Droz.
- Solecki, R. S. (1997). "Shanidar Cave," in Meyers, Eric M. (ed.), *The Oxford Encyclopedia of Archaeology in the Near East*, Oxford: Oxford University Press, vol. 5, 15-16.

- Steible, H. (1982). *Die altsumerischen Bau- und Weihinschriften*, Pt. 1. Freiburger Altorientalische Studien 5, Wiesbaden: Franz Steiner.
- Steinkeller, P. (1991). "The Reforms of Urukagina and an Early Sumerian Term for 'Prison'", in Michalowski, P. et al. (eds.), *Ancient Near Eastern Studies in Honor of Miguel Civil*, *AuOr* 9: 227-233.
- Van de Mieroop, M. (1992). *Society and Enterprise in Old Babylonian Ur*, Berliner Beiträge zum Vorderen Orient, 12, Berlin: D. Reimer.
- Van de Mieroop, M. (2007). *A History of the Ancient Near East, ca. 3000 – 323 BC*, 2<sup>nd</sup> edition, Oxford: Blackwell Publishing.
- Visicato, G. (2000). *The Power and the Writing: The Early Scribes of Mesopotamia*, Bethesda, Md.: CDL Press.
- Westbrook, R. (1989). "Cuneiform Law Codes and the Origins of Legislation," *Zeitschrift für Assyriologie*, 79, 201-22.
- Westbrook, R. (1996). *ziz.da/kiššatum*, *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes*, 86, 449-59.
- Westbrook, R. (2003). "The Character of Ancient Near Eastern Law," in Westbrook, R. (editor) *A History of Ancient Near Eastern Law*, 2 vols. Leiden: E.J. Brill, 1-92.
- Wilcke, C. (2002). Der Kodex Urnamma (CU): Versuch einer Rekonstruktion, in Abusch, Tzvi (ed.), *Riches hidden in secret places: ancient Near Eastern studies in memory of Thorkild Jacobson*, Winona Lake, Indiana: Eisenbrauns, 291-333.
- Wilcke, C. (2007). *Early Ancient Near Eastern Law: A History of Its Beginnings*, 2<sup>nd</sup> edition, Winona Lake, Ind.: Eisenbrauns.
- Woods, Ch. (2010). "The Earliest Mesopotamian Writing," in Woods, Christopher (ed.), *Visible Language: Inventions of Writing in the Ancient Middle East and Beyond*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago, 33-51.
- Yaron, R. (1988). *The Laws of Eshnunna*, 2<sup>nd</sup> rev. edition, Leiden: E.J. Brill.
- Yaron, Reuven 1993, "Social Problems and Policies in the Ancient Near East," in Baruch Halpern and Deborah W. Hobson (eds.), *Law, Politics and Society in the Ancient Mediterranean World*, Sheffield: Sheffield Academic Press.